■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
هر که عیب خود را ببیند، از پرداختن به عیب دیگران، باز می‌ماند.

■اذان ظهر: ۱۲:۰۲ ■غروب آفتاب: ۱۹:۱۵
■اذان مغرب: ۱۹:۳۵ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۰
■اذان صبح فردا: ۳:۰۶ ■طلوع آفتاب فردا: ۴:۵۰

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

■پنجشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۲ ■سال سی‌ویکم ■شماره ۸۷۸۸

مهار تورم و رشد تولید

■پذیرش آگهی:
■تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■توزیع و اشتراک:
موسسه‌نشرگسترامروزنوین
■تلفن: ۹۱۳۰۴۱۴۲

■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■معاونان سردبیر: علی عمادی، شهرام فرهنگی، شاهین امین، حامد فوقانی
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر سیاسی: علی ترابی
■دبیر شهری: سیمین برادران
■دبیر اقتصادی: سروش خسروی
■دبیر فرهنگی: امیر خداداد
■دبیر حوادث: جواد عزیزی
■دبیر بین‌الملل: حسین سعیدی
■دبیر جامعه: عیسی محمدی
■دبیر زیست بوم: محمد باریکانی
■دبیر ایرانشهر: سیده‌زهرا عباسی
■دبیر دانش و فناوری: محمد کرباسی
■دبیر ورزشی: امیر محمد یعقوب پور
■دبیر همشهری جمعه: پروانه بهرام نژاد
■دبیر صفحه آخر: مسعود میر
■دبیر عکس: فرشاد عباسی

صفحه آخر

میرِ من خوش می‌روی کاندر سر و پا میرمت
خوش خرامان شو که پیشِ قدِ رعنا میرمت
حافظ

پس از ۱۰ سال قهر!

مهتاب خسروشاهی

بازنشستگان کشور ما، بعد از بازنشستگی اگر بتوانند تا پارک سر کوچه می‌روند اما بازنشستگان آن سر دنیا، بعد از بازنشستگی سفر و گشت و گذار را آغاز می‌کنند و آن‌قدر در رفاه و آسایش هستند که نوه عزیزشان را هم با خودشان همراه می‌کنند! اگر ماجرای مادربزرگ ۹۳ساله و نوه خوش‌تیپ او را بدانید؛ حتما تفاوت بازنشستگی در ایران و کشورهای غربی را بیشتر درک کرده و تأیید می‌کنید. مادربزرگ ۹۳ساله آمریکایی، «جوی رایان» طی ۸ سال، ۶۳پارک ملی را همراه با نوه‌اش –برد رایان- بازدید کرده و از این نظر نام او به‌عنوان مسن‌ترین فردی که این کار را انجام داده، به ثبت رسیده است.

سفر این مادربزرگ و نوه از جنبه‌ای دیگر نیز خاص است. پس از جدایی والدین بِرَد، این مادربزرگ و نوه به‌مدت ۱۰ سال با هم هیچ ارتباطی نداشتند تا اینکه نوه متوجه می‌شود که مادربزرگ او تا به حال کوه ندیده و هیچ‌گاه به ساحل سفر نکرده است.

نوه و مادربزرگ سفر خود را در اکتبر سال ۲۰۱۵میلادی با بازدید از پارک ملی کوه‌های بزرگ اسموکی در تنسی آغاز کردند. این سفر پرماجرا، دوشنبه گذشته (۲۲می ۲۰۲۳میلادی) زمانی که آنها از اقیانوس آرام جنوبی به ساموای آمریکا حرکت کردند، پایان یافت. پروازهای طولانی، مسافت‌های زیاد و گشت زدن در پارک‌ها از دیگر ویژگی‌های این سفر است؛ نکته‌هایی که هر کدام برای مادربزرگ ۹۳ساله، رکوردی محسوب می‌شود. طی این سفر این نوه و مادربزرگ، ۲۶هزار و ۵۰۰دنبال کننده در اینستاگرام پیدا کردند. آخرین سفر مادربزرگ و نوه در حالی اتفاق افتاد که پسر مادربزرگ، یعنی پدر «بِرَد» - نوه مادر بزرگ که دامپزشک است و مادربزرگ را در این سفر همراهی می‌کند- از دنیا رفت. مادربزرگ این سفر را تلخ و شیرین می‌داند و عقیده دارد این هم بخشی از زندگی است.

مناطقی که این نوه و مادربزرگ از آن بازدید کردند، به‌قدری عجیب و خاص است که کمتر کسی می‌تواند این همه شگفتی را یک جا دیده باشد. برای مثال آخرین سفر آنها به ساموای آمریکا به بازدید از پارکی اختصاص داشت که ۷ روستای بومی را در خود جا داده بود. منظره خیره‌کننده اقیانوس آرام جنوبی، حیات وحش عجیب آن مانند کلونی خفاش‌ها از دیگر ویژگی‌های این پارک بود.

برد، نوه این مادربزرگ می‌گوید: «سفر ما پایان نیافته است؛ چراکه ما قصد داریم این سفر را در سطح بین‌المللی تکرار کنیم. این سفر قرار است از کنیا آغاز شود. نشنال جئوگرافیک نیز همراه سفر خواهد بود و درصورت امکان، ۷ قاره را سفر خواهیم کرد» عکس‌هایی از این سفر، چند روز پیش از پربازدیدترین‌ها بوده است.

اول آخر

استراحت کودکانه در یوگیاکارتا/ اندونزی ■ عکس: AFP

بزرگداشت

ادیب سعید

حمیدرضا محمدی

بسیار قدر دارد اما قدر بسیار ندیده است. شاید هم به‌خاطر تواضع کم‌نظیرش باشد که نه خیلی اهل سخنرانی است و نه چندان به مصاحبه تن می‌دهد. از هیاهو پرهیز دارد و هیچ‌گاه نخواسته گوشه آرام خویش را برهم بزند. در همه این دهه‌ها سر در جیب مراقبت فرو برده و یکسره در راه علم قلم و قدم زده است؛ یا در مدرسه عالی ترجمه و بعد دانشگاه علامه طباطبایی با ایجاد گروه زبان و ادبیات عربی، مشغول تدریس و تعلیم بوده یا در مؤسسه لغتنامه دهخدا و سپس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، سرگرم تحقیق و تألیف.

سعید نجفی اسداللهی که غروب سه‌شنبه، نهم خرداد آیین بزرگداشت یک عمر فعالیت علمی‌اش در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد، عالم بی‌رقیب علم عربی است. وقتی هنوز در عنفوان نوجوانی بود و دیپلم هم نگرفته بود، در مؤسسه‌ای که پدرش که خود از نوادگان شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بود، از سال‌ها قبل با عنوان «دارالعلوم العربیه» و با اندیشه شناساندن زبان عربی به عنوان یک زبان زنده و پویا به ایرانیان فارسی‌زبان پایه گذاشته بود، به معلمی مصروف شد. کسوتی که تا همین امروز هم یعنی پس از ۷ دهه در آنجا ادامه دارد و او تشنگان عربی‌دانی را با دانش بی‌منتهایش سیراب می‌کند. او که بیش از نیم‌قرن پیش، از پایان‌نامه دکترای زبان و ادبیات فارسی‌اش در دانشگاه تهران با عنوان «فرهنگ‌نویسی تازی به فارسی در ایران و هند و تصحیح دستورالاخوان» به راهنمایی صادق کیا دفاع کرد، فرزند معنوی بزرگانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، محمد معین، ذبیح‌الله صفا و جلال‌الدین همایی بوده و بر طریق و سبیل همان زبدگان و خبرگان فرهنگ ایران، فرزندان معنوی بسیاری نیز پرورد. او که از مؤسسان انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی نیز هست و در برقراری تدریس درست عربی در مدارس نقش بی‌بدیلی ایفا کرد اما سال گذشته پس از ۶۰ سال از لغتنامه دهخدا رفت و حالا در روزهای ۸۴ سالگی اوقاتش معطوف است به آموزاندن.

گرینویچ

قوی‌ترین جانور دنیا

وقتی صحبت از قوی‌ترین حیوانات دنیا می‌شود، انسان یاد فیل و اسب و گاو و کرگدن و امثال اینها می‌افتد. اما قوی‌ترین حیوان دنیا، فقط یک میلی‌متر اندازه دارد. این نوع کنه، که به کنه زرهی معروف است، البته در برابر حیوانی مثل گاو چیزی به شمار نمی‌رود اما دانشمندان، معیار مشخصی برای تعیین قوی‌ترین حیوان دنیا دارند: اینکه چند برابر وزن خود می‌تواند وزنه بلند کند. در این مورد خاص، این کنه می‌تواند هزاربرابر خود وزنه بلند کند. تصورش هم سخت است. در مقام مقایسه، یک انسان باید ۸۲تن وزن را بلند کند تا همپای این کنه باشد. رقبای این کنه، موجوداتی در همان سایز و اندازه هستند، مثل یک مورچه آسیایی که ۴۰۰برابر وزن خود را بلند می‌کند، و یا سوسک سرگین که ۴۰۰برابر وزنش را حمل می‌کند. اما حتی این موجودات هم در برابر کنه زرهی، ناچیز به شمار می‌روند. دلیل عمده این توانایی خارق‌العاده، یک اسکلت خارجی بی‌نهایت قدرتمند است.

پدربزرگ قهرمان

آدم‌هایی که جانشان را به خطر می‌اندازند تا در مواردی مثل آتش‌سوزی جان دیگران را نجات بدهند، معمولا جوانان بابنیه و چابک هستند اما در آمریکا، یک پدربزرگ ۷۴ساله با انجام چنین کاری به شهرت رسیده است. گرگ اسپایک در حال عبور از یک منطقه در کنار روز ویلامت در اورگون بود که متوجه آتش‌سوزی در یک ساختمان شد. او که ۱۶نوه دارد، در حال تماس با آتش‌نشانی بود که ناگهان صدای فریاد زنی را از داخل ساختمان شنید. این زن، استیسی بارکلی یکی از مهمانان هتلی بود که در آتش می‌سوخت. او بعد از دیدن زبانه‌های آتش در راهرو، به بالکن آمده و درخواست کمک کرده بود. اسپایک هم بعد از دیدن این زن، پای بالکن رفته و او را تشویق کرده بود تا به پایین بپرد. وقتی که زن به پایین پرید، این پدربزرگ با مهارت توانست او را بگیرد و جانش را نجات دهد.

دزد وسواسی

یک قانون نانوشته در سرقت این است که دزد یا دزدها سریع وارد محل مورد نظر شوند، کارشان را بکنند و سریع بزنند به چاک. اما همه دزدها اینطور نیستند؛ یک دزد در کانادا، سریع وارد یک شیرینی فروشی شده و چیزهایی را هم بلند کرده است، اما در آن بین، کاری کرده که بسیاری را شوکه کرده است: تمیزکاری. مالک این کافه قنادی گفته است که وقتی صبح سر کار رفته، بلافاصله متوجه شده یک نفر با زور وارد محل کسبش شده و چیزهایی را به سرقت برده. اما چیزی که او را به‌شدت متعجب کرده، این بوده که کافه‌اش از شب قبل که رفته بوده، به‌شدت تمیزتر و پاکیزه‌تر بوده است. او بعد از بازبینی فیلم‌های دوربین مداربسته، دیده که این دزد، با شکستن یک پنجره وارد کافه شده، و انگار که یک مشتری است روی یک صندلی نشسته و منتظر شده تا کسی از او سفارش بگیرد. بعد در ادامه، با وسواس زیادی، به جان کف و دیوارها و وسایل افتاده و تا آنجا که می‌توانسته آنها را تمیز کرده و عملا برق انداخته است. بعد هم ماموریتش را تمام کرده و کمی نوشیدنی و خوراکی با خود برداشته و فرار کرده است. مردم در شبکه‌های اجتماعی، از این اقدام دزد ابراز تعجب کرده‌اند و در عین حال، با مالک این کافه‌قنادی همدردی کرده‌اند.

تعطیلات خوب

خوش بگذره

فاطمه عباسی

آخر هفته‌ها، فرصتی دوباره برای کسب انرژی و رهایی از روزمرگی‌ها و دغدغه‌های کاری است. هرچند تعطیلات آخر هفته کوتاه است اما با یک برنامه‌ریزی مناسب می‌توان از آن بیشترین استفاده را کرد. اگر تمام آخر هفته‌ها در فکر این هستید که کجا بروید یا چه سرگرمی‌هایی داشته باشید تا انتهای این مطلب همراه ما باشید.

گشت و گذار در موزه هنرهای معاصر

موزه هنرهای معاصر تهران یکی از سرشناس‌ترین موزه‌های ایران است و شامل جامع‌ترین و مهم‌ترین گنجینه‌های هنر مدرن و مالک یکی از ۵ تا ۱۰ مجموعه مهم هنر نوگرا در دنیاست. اگر تا به حال گذرتان به این موزه نیفتاده، آخر این هفته فرصت خوبی است تا سری به موزه هنرهای معاصر بزنید؛ چرا که اکنون نمایشگاه «هایپر رئالیسم: از تصویر تا واقعیت» با نمایش ۳۲اثر از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در حال برگزاری است. در این نمایشگاه ۲۶اثر هایپررئال به همراه چندین اثر پاپ و نئورئالیسم در معرض نمایش هستند. تعدادی از این آثار بیش از یک دهه قبل به نمایش گذاشته شدند اما آخرین نمایش برخی از آثار هم به پیش از انقلاب اسلامی یا اوایل آن بازمی‌گردد. برای نخستین بار ۱۰اثر از ۳ هنرمند هم به نمایش گذاشته شده است. درباره هایپررئالیسم هم باید بگوییم که گرایشی است که در اواخر دهه ۶۰ و ابتدای دهه ۷۰ میلادی، بیشتر در کرانه غربی آمریکا شروع به ظهور کرد. این گرایش در کنار جنبش پاپ و جنبش مفهومی، واکنشی بود به تسلط مطلق هنر انتزاعی یا انتزاع اکسپرسیونیستی که در آن زمان به‌صورت یک ارزش و جنبش تمام و کمال بر صحنه هنری آمریکا تسلط داشت. زرق و برق خودروهای آمریکایی، رستوران‌ها، تفریحات آمریکایی و... آن چیزهایی بود که هنرمندان هایپررئال آمریکا سعی در نمایش آن داشتند تا تصویری از جامعه آن زمان آمریکا ارائه کنند. ریچارد مک لین، جان سالت، دان ادی، ریچارد استس، رالف گوئینگز، مایک گورمن، چاک کلوز، هوارد کانوویتز، رابرت کاتینگهام، مالکوم مورلی، دوان هانسون و ژان سابیسکی از هنرمندانی هستند که آثار آنها در این نمایشگاه به نمایش درآمده است. این نمایشگاه تا چهارم تیرماه برپاست و می‌توانید از آن بازدید کنید. ضمن اینکه اگر نخستین بار است که به موزه هنرهای معاصر می‌روید، به بنای این موزه هم توجه کنید که در سبک معماری مدرن و با الهام از بادگیرهای کویری ایران طراحی شده است.

تفریح در ساحل دریاچه

درست است که تهران دریا ندارد، اما دریاچه که دارد. اگر دلتان نشستن کنار آب و خیره شدن به دور دست‌ها را می‌خواهد یا دوست دارید یک روز تعطیل در کنار خانواده به یک مکان تفریحی بروید، پیشنهاد می‌کنیم دریاچه چیتگر را امتحان کنید. البته این دریاچه به‌خاطر شباهت نقشه آن با نقشه ایران و برای زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره شهیدان، با نام دریاچه شهدای خلیج‌فارس نیز شناخته می‌شود. دریاچه چیتگر تهران، تنها یک دریاچه نیست و تفریح‌های هیجان‌انگیز، رستوران‌های متنوع و همینطور یکی از شیک‌ترین مراکز خرید تهران را در فضای بسیار وسیع خود جای داده است. قایق‌سواری، سُرسُره سقوط آزاد، راید اسکیت هوایی، سینمای ۶بعدی، سافاری پارک وحشت و... از تفریحات این دریاچه است. خلاصه که این مکان تفریحی را حتما امتحان کنید و لذتش را ببرید.

می‌دویم که زنده بمانیم

اگر انسان دویدن بلد نبود، چه بسا امروز هیچ تمدن انسانی‌ای در کار نبود. اجداد ما، در آن سال‌ها که زمین خشن و کم‌حاصل و پر از حیوانات درنده بود، به‌معنای واقعی کلمه می‌دویدند تا زنده بمانند. نیاکان دوردست ما گاهی می‌دویدند تا دریده نشوند، و گاهی آنقدر می‌دویدند تا سرانجام آهوها و غزال‌های زخم‌خورده خسته شوند و از پا بیفتند. در جهش‌های سریع و دویدن‌های تند، ما در برابر حیواناتی مثل یوزپلنگ و حتی اسب یک شوخی هستیم. اما اگر پای دویدن‌های طولانی در مسافت‌های بلند مطرح باشد، ما سلطان بی‌رقیب طبیعت هستیم. بدن ما، برخلاف چهارپایان، مناسب دویدن به‌صورت عمودی است. ماهیچه‌های پشت گردن ما، طوری است که می‌توانیم هنگام دویدن، سرمان را بدون حرکت نگه داریم. ستون‌فقرات‌مان مناسب این کار است. مچ پاهایمان هم همینطور. ما قبلا، به اضطرار تا پای جان دویده‌ایم که زنده بمانیم و دویدن عادت درونی ما شده است. ما همچنان می‌دویم و در سال‌های اخیر، متوجه شده‌ایم که چه بسا می‌توانیم نیاکان دوردستمان را به نوادگان امروزی‌شان مفتخر کنیم. اخیرا، نوعی دویدن ابراستقامتی که با نام «اولترا رانینگ» شناخته می‌شود، در سراسر دنیا محبوبیت زیادی پیدا کرده و روزبه‌روز علاقه‌مندان بیشتری به آن جذب می‌شوند. در همین ایران خودمان هم این رشته پا گرفته و قهرمانان ایرانی، سری از سرها در رقابت‌های بین‌المللی درآورده‌اند. طولانی‌ترین مسابقه دو، مدت‌های زیادی ماراتن بود که مسافت آن ۴۲کیلومتر و ۱۹۵متر است. برای اولترا رانرها یا همان دونده‌های ابراستقامتی اما این مسافت یک دست‌گرمی است؛ مسابقات آنها از ۵۰کیلومتر شروع می‌شود، ۱۰۰کیلومتر یک مسابقه محبوب بین آنهاست، و حتی مسابقاتی ۳۰۰کیلومتر هم برگزار می‌کنند. اینها تازه مسابقاتی است که در طول ۲۴ساعت برگزار می‌شوند. برخی مسابقات «اولترا»، چند صد کیلومتر هستند و چند شبانه‌روز طول می‌کشند و شرکت‌کنندگان، زمان‌های مشخصی برای غذا خوردن و خوابیدن دارند. احتمالا نیاکان دوردست ما هم‌چنین کاری را کرده‌اند؛ وقتی که یک حیوان را زخمی کرده‌اند، و چند شبانه‌روز ردش را گرفته‌اند، تا روزی که سرانجام حیوان خسته شده و از پا افتاده، و اجداد ما کار شکار را به پایان رسانده‌اند. ۱۰۰کیلومتر دویدن شاید غیرممکن به‌نظر برسد، اما واقعا نیست. اول ماه ژوئن (امروز) روز جهانی دویدن است، و دونده‌ها کارشان را از یک متر دویدن شروع کرده‌اند. ژن‌های ما، به اندازه طول عمر بشر از دویدن خاطره دارند. کافی است نخستین گام را با اعتماد به نفس و محکم برداریم. ۱۰۰کیلومتر با همین گام شروع می‌شود. چه مناسبتی بهتر از روز جهانی دویدن؟

خوش خبر

معاینه فنی اما سیار

از قدیم گفته‌اند «تنبل نرو به سایه/ سایه خودش میایه!» البته علت اینکه ما خودمان به سایه مراکز معاینه فنی نمی‌رویم، بلکه هماهنگ می‌کنیم تا مراکز معاینه فنی سیار، نزد ما بیایند و سایه‌سار مهرشان را بر سر ما بگسترانند، اصلا و ابدا تنبلی نیست، ما دلمان نمی‌خواهد ترافیک معابر شهری را بالا ببریم و چند خودرو را روشن کنیم، راه بیفتیم برویم به سمت یک مرکز معاینه فنی و در راه هم با ماشین‌مان دود کنیم و آلودگی هوا را افزایش دهیم. تازه آنجا هم الکی صف را شلوغ کنیم و هموطنان عزیز را در صفی طویل معطل کنیم. حالا هم مدیرعامل ستاد معاینه فنی خودروهای شهر تهران، خبر خوشی برای ما بچه‌زرنگ‌ها دارد. او از اجرای طرح ویژه نسل جدید معاینه فنی سیار در تهران با عنوان پرتابل خبر داده و گفته؛ در این طرح، واحدهای سیار معاینه فنی با درخواست ساکنان مجتمع‌ها و یا سازمان‌ها و شرکت‌ها در محل حاضر می‌شوند و نسبت به معاینه فنی خودروهای آنها اقدام می‌کنند. الحق والانصاف که طرح خوبی است. زود باشید با اهالی مجتمع یا اداره‌تان هماهنگ شوید و تماس بگیرید تا معاینه فنی سیار، خودش بیاید و بر سر شما سایه بیندازد.

تبحر پزشکان ایرانی

ما در کشورمان دورانی را گذرانده‌ایم که وقتی حرف از یک عمل جراحی و یا درمان خاص به میان می‌آمد، نه‌تنها اطرافیان بلکه خود کادر پزشکی هم به سبب نبود تخصص و تجهیزات لازم، درمان در خارج کشور را پیشنهاد می‌کردند که خب چنین امکانی برای بیشتر مردم مهیا نبود اما خوشبختانه امروز شرایط کاملا متفاوت است و با افتخار باید بگوییم آنقدر در علم پزشکی پیشرفت کرده و حرف برای گفتن داریم که می‌توانیم با خیال راحت به پزشکان خودمان اعتماد کنیم و دیگر وابسته به درمان در خارج از ایران نباشیم. تازه این تمام داستان نیست و جامعه پزشکی ما به سطحی از تخصص رسیده که نه‌تنها می‌تواند پاسخگوی بیماران داخل باشد، بلکه توانایی درمان بیماران خارج از کشور را هم دارد. خبر رسیده که سال گذشته بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار بیمار خارجی یا به قول وزیر بهداشت، گردشگران سلامت که بیشتر آنها از کشورهای افغانستان، عراق، آذربایجان، پاکستان، ترکیه، هند، ارمنستان، ترکمنستان، لبنان و تاجیکستان بوده‌اند، در ایران تحت درمان قرار گرفته‌اند؛ آن هم درمان‌هایی در سطوح بالای زنان و زایمان، جراحی چشم، ارتوپدی، جراحی زیبایی، بیماری‌های قلب و عروق، اورولوژی، درمان‌های طبی غیرضروری، جراحی عمومی، سرطان‌ها و تروما که نیازمند تخصص بالایی است و پزشکان ما به شایستگی هرچه تمام از پس آن برآمده‌اند.

باز هم ناز شست دانش‌بنیان‌ها

حالا که حرف از پتانسیل و توانمندی ایرانی‌ها در دانش پزشکی شد، بگذارید خبرخوب دیگری هم برایتان بگوییم تا وقتی مدعی می‌شویم ایران در همه حوزه‌های پزشکی، پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشته و حتی در زمینه تجهیزات پزشکی نیز به فناوری بسیاری دست یافته، سندی بر ادعای خود داشته باشیم. این بار می‌خواهیم خبر از تولید دستگاه اکسیژن‌ساز (ترکیب‌کننده هوا و اکسیژن) برای نوزادان زودرس بدهیم. شاید به‌عنوان پدر ومادری با نوزاد زودرس، سر و کارتان به بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان و دستگاه‌های اکسیژن‌ساز افتاده باشد و شاید هم خیلی در این زمینه تخصص نداشته باشید اما قطعا از شنیدن چنین خبری که می‌تواند وابستگی‌مان به خارجی‌ها را کم کرده و ما را در این زمینه نیز به‌خودکفایی برساند، خوشحال می‌شوید؛ پس بشنوید از جزئیات خبر. به‌گفته مدیران شرکتی دانش‌بنیان، دستگاه ترکیب‌کننده هوا و اکسیژن می‌تواند اکسیژن نوزادان زودرس با خلوص موردنیاز را تامین کند. دستگاهی که تا پیش از این از کشورهای آلمان و آمریکا وارد می‌شد اما حالا تولید صفر تا صد آن توسط شرکتی دانش‌بنیان انجام می‌شود و ۳۰ درصد ارزان‌تر از ارزان‌ترین نمونه مشابه خارجی دراختیار بیمارستان‌ها قرار می‌گیرد. این دستگاه به لحاظ کیفی می‌تواند با نمونه‌های خارجی رقابت کرده و حتی با آب و هوای بومی ایران نیز سازگاری داشته باشد.

این خانه برای تو

اینکه تمام سرمایه یک عمر کارکرد خود را به یکباره صرف امور خیریه کنی، قطعا دل بزرگی می‌خواهد و کار هر کسی نیست اما واقعا هستند افراد خیری که در این مسیر قدم برمی‌دارند و همه را متحیر می‌کنند. نمونه‌اش یک بانوی تهرانی است که آپارتمان خود واقع در محله شمیران نو که حاصل سال‌ها خدمت و دسترنج بازنشستگی خود بوده را برای کارهای عام‌المنفعه به جمعیت امام رضایی‌ها اهدا کرده تا هم دردی از نیازمندان دوا کند و هم برای خود خانه‌ای بسازد در دل بهشت. همچنین خوب است بدانید که نهضت هبه املاک برای پیشبرد اهداف خیرخواهانه جمعیت امام رضایی‌ها، پیش از این توسط خیرینی از شهرهای اهواز، اصفهان و تهران، آغاز شده بود. اقدام ارزشمندی که نشان از معرفت و کرامت دوستداران علی بن موسی‌الرضا(ع) دارد.